**بسم الله الرحمن الرحیم**

**خلاصه درس اصول فقه حضرت آیت الله اراکی، 13 اسفند 1396**

**موضوع بحث: اجمال در مدلول تصدیقی نوع دوم**

**اجمال در مدلول تصدیقی اول؛**

در جلسات گذشته مطرح شد اجمال در مدلول تصدیقی اول راه ندارد؛ زیرا هر عاقلی سخنی بگوید و بدانیم با حال هشیاری سخن گفته است دیگر به این احتمال که کلام از غیر ارادۀ او صادر شده باشد اعتنا نمی‌شود. ظهور کلام مریدِ مختارِ عاقل بر ارادة الکلام همیشه همراه انسان عاقل است و نمی‌توان قائل به اجمال در این نوع از دلالت شد. مگر اینکه شخص هشیار نباشد که نیاز به دلیل یا قرینه دیگر دارد. لذا در موارد فعلِ اکراهی یا اجباری دلالت تصدیقی اول ساقط می‌شود و گفته می‌شود صبی غیر بالغ لا عبرة بکلامه چون دلالت تصدیقی اول هم ندارد. به همین معنی دلالت تصدیقی اول را ندارد؛ اراده‌ای که او می‌کند اراده صادره از عقل دارای قوه سنجش نیست لذا لا یعتبر ارادته ارادةً.

این مطلب مهمی است زیرا این‌طور نیست که به هر فعلی که از روی اراده صادر شود بتوان گفت آن فعل آزاد است؛ اگر قوه سنجش از فرد گرفته شود دیگر نمی‌توان گفت آزادی برای او وجود دارد. لذا در غرب چون قدرت سنجش از مردم گرفته شده است دیگر اراده‌شان آزاد نیست. برخلاف آنچه گفته می‌شود در غرب چندصدایی وجود دارد؛ در آنجا به‌هیچ‌وجه اجازه به آنچه مخالف مبانی اصلی فکری‌شان باشد وجود ندارد.

بنابراین؛ اراده‌ای که صبی دارد اراده برگرفته‌شده از عقل غیر قادر بر سنجش است و اراده نیست. اراده درجایی اطلاق می‌شود که انتخاب و گزینش بر اساس یک سنجش باشد.

**نتیجه بحث اجمال مدلول اول؛**

کلام انسان دارای ارادة کامله همیشه دلالت بر مدلول تصدیقی اول دارد؛ لذا اجمال در مدلول تصدیقی اول در کلام عقلاء راه ندارد.

**مدلول تصدیقی دوم؛**

دلالة الکلام علی قصد التفهیم است. دلالة الکلام علی ارادة الکلام یک مطلب است و دلالة الکلام علی تفهیم المخاطب مطلب دیگری است. این نوع دلالت یعنی دلالت بر قصد التفهیم آیا می‌تواند دچار اجمال شود؟ و اگر می‌شود، موارد آن کدام است؟

دلالت بر قصد التفیهم دو نوع است؛ یک نوع آن دلالت بر اصل قصد تفهیم مخاطب است؛ یعنی کلام مخاطبی داشته و قصد تفهیم او را دارد؛ به عبارتی قصد تفهیم خصوص مخاطبی که کلام به سوی او سوق داده می‌شود.

**اجمالات در مدلول تصدیقی نوع دوم؛**

لذا بر همین اساس دو نوع اجمال در مدلول تصدیقی دوم وجود خواهد داشت؛ یک نوع اجمال در این است که شخصی سخنی بگوید و ندانیم که اساساً با قصد تفهیم این کلام را القاء کرده یا قصد تفهیمی نداشته است و نوع دیگر اجمال در این است که می‌دانیم متکلم کلامی را با قصد تفهیم گفته است اما نمی‌دانیم، مقصود به تفهیم مخاطب اول است یا مخاطب دوم.

این کلام مرحوم قمی رحمةالله علیه است که به استناد مسئله «انما یعرف الکلام من خوطب به» قائل به اختصاص خطاب به مشافهین شده‌، ناشی از این نوع برداشت است؛ یعنی معتقد است کلام قرآنی در این نوع از مدلول تصدیقی دوم اجمال دارد. البته اجمال در اصل مدلول تصدیقی دوم نیست؛ زیرا چون می‌دانیم که «القرآن اُلقی لکی یفهم المخاطب» اما «مَن هو المخاطب؟»، آیا عامه مردم هستند، یا معصومین سلام الله علیهم؟ این نوع دیگری از اجمال است که مثلاً در ضرب‌المثل عربی «إیاک اعنی واسمعی یا جاره» به آن اشاره شده است. اینجا با همسایه‌اش حرف می‌زند ولی خطابش به زن همسایه است و می‌خواهد آن دومی را بشنود. گرچه خطاب القاء به این شخص است اما مقصود به تفهیم دیگری است و این یک نوع دیگری از اجمال در مدلول تصدیقی دوم است که ممکن است اتفاق بیفتد.

**اجمال اول (در مدلول تصدیقی دوم) کجا راه پیدا می‌کند؟**

نسبت به اجمال اول که شک کنیم اساساً قصد خطابی وجود دارد یا خیر؟ همین حالِ خطاب کافی در ایجاد ظهور در قصد خطاب است. یک وقت مخاطبی وجود ندارد که در این صورت ظهور حالی در قصد تفهیم وجود ندارد، اما اگر مخاطب وجود داشته باشد کلام متکلم ظهور در قصد تفیهم دارد. بنابراین؛ مدلول تصدیقی دوم در این اندازه به‌واسطه صرف ظهور حال در خطاب منعقد می‌شود.

اجمال در اینجا راه ندارد مگر اینکه قرینه یا دلیلی باشد که نافی این ظهور است؛ قرینه‌ای که اگر بر اینکه قصد خطاب وجود ندارد قائم شد، در این صورت این مانع آن ظهور (یعنی ظهور در قصد خطاب) را منع می‌کند.

اگر یک محتمل القرینه متصل وجود داشت، مثلاً کلام یا فعلی بود که می‌توانست قرینه بر عدم اراده خطاب باشد، آیا اجمال ایجاد می‌شود یا خیر؟ آیا محتمل القرینه متصل یا موجود محتمل القرینیه مانع از انعقاد این ظهور می‌شود یا خیر؟ به نظر ما مانع از انعقاد ظهور می‌شود؛ یعنی اگر کلامی به مخاطبی القاء شد اما چیزی که محتمل القرینه است وجود دارد که احتمال عدم اراده خطاب را ایجاد کند که در این صورت می‌گوییم این محتمل القرینه موجب اختلال در ظهور شده و مانع انعقاد این ظهور می‌شود.

اگر کسی رو به شخصی حرفی بزند اما علامتی بروز بدهد (مثلاً چشمکی بزند یا دستی تکان دهد) که می‌تواند قرینیت داشته باشد بر اینکه مقصودم تو نیستی و قصد خطاب به تو ندارم در این صورت ظهور مختل شده و کلام دچار اجمال می‌شود.

در مدلول تصدیقی اول گفتیم که محتمل القرینیه موجود خدشه‌ای بر دلالت کلام بر اینکه کلام «صَدَرَ عن ارادة» نمی‌زند؛ و این در مطلق الفعل هم جاری است. لذا اگر کسی ادعا کرد که این کار را کردم اما اراده‌ای نداشتم و متوجه نبودم، از او بدون دلیل پذیرفته نمی‌شود. این بحث هم تنها در دلالات قولی جاری نیست بلکه در دلالات فعلی هم جریان دارد.

در مدلول تصدیقی اول نسبت به اصل دلالة الکلام علی الإرادة وجود محتمل القرینه تأثیری ندارد، بلکه خود ظهور حال فی الارادیة نفی احتمال ناشی از قرینة الموجود می‌کند. اما در مدلول تصدیقی دوم که دلالة الکلام بر ارادة الخطاب باشد اینجا می‌گوییم وجود ما یحتمل القرینه موجب اختلال در ظهور می‌شود.

**فارق دو دلالت:**

حال سؤال این است که ما الفارق بین این دو؛ که در دلالت تصدیقی دوم وجود محتمل القرینه متصل مخل به ظهور است به خلاف دلالت تصدیقی اول؟

فارق این است که دلالت تصدیقی اول معتمد و متکی بر ذاتی بودن اراده برای فاعل است؛ به دلیل اینکه اراده برای انسان ذاتی است. هر انسانی را خلقه الله مختاراً و مریداً و لذا تا احراز عدم الاختیار نکنید حمل بر اختیاری بودن می‌شود زیرا طبیعت انسان این است که فعلش ارادی است إلا أن یمنعه مانع.

اما قصد خطاب معتمد به ظهور حالی است که عارضی باشد و نشئت گرفته از یک وصف ذاتی برای متکلم نیست؛ بلکه ناشی از حال تخاطب است که عرضی است و این حال عرضی باید با دلیلی احراز شود. قصد الخطاب باید احراز شود و وسیله احراز آن حال الخطاب است که ظهور در قصد الخطاب دارد. پس یک قرینه عام همیشگی منشأ دلالت کلام بر قصد الخطاب می‌شود.

اگر چیزی این قرینیت را مخدوش کند این دلالت هم از کار می‌افتد و محتمل القرینه موجود مانع از انعقاد این ظهور می‌شود. اما ظهور حال متکلم در ارادی بودن همیشه ملازم باوست و ناشی از یک حالت عارضی نیست. اما ظهور در قصد الخطاب ناشی از یک حال عارضی است و این حال الخطاب حالی است که یَعرض علی المتکلم. اما حال الاراده این‌گونه نیست که عارض شود بر متکلم، بلکه «کل متکلم لو ترک و نفسه هو مرید»؛ ارادی بودن احتیاج به قرینه ندارد و عدم ارادی بودن دلیل می‌خواهد، اما در قصد الخطاب خودش دلیل می‌خواهد که دلیلش حال الخطاب است، لذا اگر حال الخطاب منتفی شد این دلالت وجود نخواهد داشت. زیرا دلالت کلام بر قصد الخطاب متکی است بر حال خطاب که قرینه‌ای عامه دارد، لذا درجایی که این حال خطاب نباشد منفک از کلام می‌شود و در این صورت نیاز به اثبات دارد. اما ارادی بودن چون ذاتی است برای انسان نیاز به اثبات ندارد.

**نتیجه نوع اول اجمال در مدلول تصدیقی نوع دوم:**

بنا بر آنچه گفته شد یک قاعده به دست می‌آید: «هر جا ظهور کلام مستند به عاملی خارج از ذات الکلام است، محتمل القرینه متصل این ظهور را مخدوش می‌کند و هر جا ظهور کلام مستند به عامل خارج از کلام نیست، بلکه خود کلام بماهو کلامٌ اقتضاء آن ظهور را دارد، محتمل القرینه موجود ضربه‌ای به این ظهور نمی‌زند.»

این سر فرق بین مدلول تصدیقی اول و دوم بود.

نتیجه می‌گیریم که دلالت بر مدلول تصدیقی دوم، گاهی مختل می‌شود به دلیل انتفاء ظهور در قصد الخطاب، که درجایی رخ می‌دهد که قرینه قطعی بیاید و دلالت کند بر عدم قصد الخطاب. جای دیگری که دلالت بر مدلول تصدیقی دوم مختل می‌شود جایی است که محتمل القرینیهٔ متصلی باشد که در دلالت کلام بر قصد الخطاب اختلال کند.

**اجمال دوم در مدلول تصدیقی دوم؛**

اما اگر قصد الخطاب محرز باشد یعنی قرینۀ عامه بر قصد الخطاب وجود داشته باشد و مثلاً رو به کسی کرده و با او صحبت می‌کند، در این صورت قصد الخطاب محرز است چون حال الخطاب وجود دارد. اما احتمال می‌دهیم فرد دیگری را قصد کرده است که به این احتمال اعتنا نمی‌شود؛ به دلیل خود ظهور حال الخطاب در قصد الخطاب. لذا در مسئله خطاب به مشافهین اگر کسی بگوید غیر مشافه مقصود است و خطاب گرچه متوجه به این شخص است اما غیر او مقصود است، این نوع احتمال به‌واسطه ظهور در قصد الخطاب ملغی است. لذا ما «إیاک أعنی و اسمعی یا جاره» را قبول نداریم مگر اینکه قرینهٔ خاصه‌ای اقامه شده باشد بر اینکه لم یقصد المخاطب فی کلامه. اگر قرینه خاصه‌ای وجود داشته باشد فبها، اما اگر قرینه خاصه‌ای نباشد همان قرینه عامه (ظهور حال خطاب در قصد الخطاب) کارش را می‌کند.

**نتیجه نوع دوم اجمال در مدلول تصدیقی دوم:**

بنابراین؛ ما اجمال نوع دوم در مدلول تصدیقی دوم را به‌وسیله ظهور الحال در قصد الخطاب نفی می‌کنیم، اما اجمال در اصل قصد الخطاب، اگر ناشی از وجود قرینه قطعیه و یا احتمال قرینة الموجود باشد، قابل نفی نیست و به ظهور خدشه وارد کرده و ایجاد اجمال می‌کند.